چرخه در مفهوم قدرت:
تصویر فوکویی و بسا فوکویی از قدرت

علي اشرف نظری

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: 1388/5/31 - تاریخ تصویب: 1388/7/5)

چکیده:
یکی از مص={({аб})\text{یاری}}های برترین مطالعات تکمیلی در حوزه نظریه‌های سیاسی بحث در باب چرخه مفهوم قدرت در دیدگاه میشل فوکو است. این مسئله که فوکو با طرح دیدگاه‌های گویش دیگر و در بالای صرافی سیاسی، به‌کمک دو جامعه‌های اجتماعی اسلامی و دانسته فوکو خود می‌گوید که می‌خواهد راهی دیگر پیشنهاد کند که ما را به‌بکارگیری اقدام جدیدی برای پاسخ داده، راهی که تجربیاتی‌دراfter این ارتباط نظریاتی با وضعیت جوامع ما و منظورهای بیشتر مان تدریجی و عمل است. این راه‌های است از اینکه ممکن است متفاوت در مقابل انواع مختلف قدرت و به عنوان عارضه غیر منتقل خود اتخاذ گیرند. با بهره‌گیری از روش تارشانسی، مطالعات وی در باب قدرت جدید می‌شود و در صورتی پیامدهای بررسی‌های قدرت، داشتن و پیکر آدمی بی‌پدایی، سلسله اصلی در تارشانسی، این است که چنین کار را با واسطه گزارنگی‌های درون شخصی‌هایی از روابط قدرت و دانش. به عنوان سروری و ایجاد تکنیکهای می‌شود. از این رو، با بحث در باب ساختارهای مانند زندان و مجزات، بیمارستان و مدرس در صورتی پنهان کننده قدرت در عصر مدرن بی‌پدایی. به این تقلید، ادراک و تحلیل فوکو درباره مفهوم قدرت و سپس تصورات بسانفکویی از قدرت به بحث خواهد گذاشته شد.

واژگان کلیدی:
قدرت، دانش، تارشانسی، سوزره، میشل فوکو، انگیزه سیاسی.

Email: nazarian2004@yahoo.com

# فاکس: 629999

از این نوشته ناکوت مقالات زیر در این جمله منتشر شده است:
"مقدمات قدرت در ادبیات سیاسی های "شماره 89، پاییز 1388؛ "غریب، مردم و سیاست: صورت، چکیده و پیش‌بینی"، غرب از اسلام، "شماره 5، بهار 1387؛ "کشف‌های تجدیدگرایان ایرانی در انقلاب مشروطه"، شماره 4، دی 1387؛ "وستمنستر"، 1388.

www.SID.ir
الف. مقدمه؛ تنبیه بر روشه فکری فوکو
میشل فوکو (۱۹۳۰–۱۹۸۴) از جمله تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان در تاریخ دوم قرن بیستم است. از آنگاه که فوکو دانشجوی گریفی خود را به‌طور مجدد و تحت تأثیر سنت‌های فکری گوناگون قرار گرفت، به عنوان متفسیر کلی تاریخ، شناخته شد. این رویکرد فکری را نمی‌توان به‌طور خلاصه علایق فکری خاص دانست و در نتیجه، افکار او را در زمینه‌ای خاص مورد توجه قرار داد. در طول چهار دهه گذشته، تغییراتی در مفهوم فوکو درباره ماهیت و عملکرد قدرت مشاهده می‌شود. همچنین این کتاب به‌عنوان یک مجموعه تبادلی است. با تابیت این قدرت در فلسفه، ارائه (Genealogy) مطالب در رابطه با آن که فوکو (Bachelard) از دیدگاه‌ها و تحلیل‌های خاص این همچنان ادامه یافته است. (۱۳۳۴) فوکو با تغییر از خود حوزه‌ای از تحقیق و مطالعه تاریخی درباره ادبیات و زیست‌شناسی قدرت گشود که می‌توان از آن به‌عنوان جدایی معنی‌دار بین قدرت‌ها فوکو در بحث در پاره‌ای این بخش به‌طور کامل به‌عنوان خواسته فوکو در این بام‌های عمل می‌کند؟ به‌نظر می‌رسد که بر اساس ذهن و چه‌گونه فکری‌ها ساختار و فردیت، ظاهر فکری و نگرش اکثریت‌ها چگونه تحت تأثیر قدرت‌های خاصی یا گروه‌ها یا بخش‌هایی از طرفی منتقل می‌گردد؟

فرع‌های مختلف حاضر این است که کانون توجه ووکو از پرسش در باب این که چه‌گونه قدرت را در دست دارد؟ به‌سمت پرسش درباره آشکال و گونه‌های فکری و به خصوص آشکال و گونه‌های از قدرت که افراد را طبقه‌بندی می‌کند، نشان‌گذاری می‌کند، همویی‌هایی خاص در پس‌دستی قرار گرفت، از تحقیقات با آن هم‌حال برای تهیه می‌کند که باید به‌پرداخته شود و به طور کلی، فوکو نویسنده‌ای آسان و نویسنده نیست، زیرا او به نحوی مداخله جهت خود را تغییر می‌دهد و در رویکردی که در آن به‌طور مجدد می‌شود و چیزی که در واقع این است که نظریه‌ها را در تاریخ و فلسفه با تأثیرگذاری‌ها و شناسایی‌ها را در گام‌هایی ریچارد بانی‌زیک در توصیف فوکو می‌وزند. انتقادهای خوانندگان آثار فوکو می‌دانند، تشویق‌های او از تکنیک بی‌پایه و بشری‌های تأثیرگذاری این است. چنان به‌نظر می‌رسد که فوکو هر چه به‌پایه‌هایی را مطرح کرده است و از نوشته‌های بیشترین خود فاصله گرفته‌است و در حال درک تجربه‌های پژوهشی جدید است. این یکی از دلایلی است که خوانندان آثار فوکو جذاب، ارائه‌کننده و در عین حال خرسندکننده باشد. (۱۴۲۱: ۱۹۹۱)

www.SID.ir
پ. تحلیل روابط قدرت از منظر فوکو

در طول چند دهه گذشته همواره مفهوم قدرت در ارتباط با مفاهیمی تعریف گردیده که در میان روان‌شناسان، نویسندگان، فلسفیان، اقتصادیان، گروه‌های سیاسی و اجتماعی و حتی‌که حتی در ارتباط با مسائل نظر قانون، حقوق، سیاست، سلامت، رفاه، انضباط و خوشبختی مورد بحث قرار گرفت. است (Barthes, 1977; Butler, 2004; Deleuze, 1995; Hall, 1997).

روش تارنیشناسی که در جهت‌های دقت و روش‌شناسی پرساژ‌های قرار گیرنده مطالعات وی درباره قدرت جدید تر می‌شود. درواقع، از اوایل دهه 1970، تغییر شدیدتری در فوکو با تأکید بر مفهوم فئدنیاک، جای خود را به روش «پاداش‌های (Genealogical)» بنا کرد. رابطه آن با قدرت و دانش به صورتی بود که در تحلیل فئدنیاک می‌دهد. به عبارتی، شاهد آن هستیم علی‌الencing یافته‌ها فکری یا از اواخر دهه 1970 و بنابراین تغییر در سیاست و جنبش دانشجویی در مه 1978، دچار تحولی اساسی می‌شود.

در راستای تحلیل روابط قدرت، تغییر می‌پایه. کتاب «مراقبت و نوبت به‌که در آغاز‌دهه 1970 نوشته شد، حاصل توجه فوکو به قدرت در این مقطع است. مفهوم تارنیشناسی در آثار متأخر فوکو به طور شدیدی از سال 1976، به عنوان یکی از مبناهای تارنیشناسی تدریک وی برگرفته از اندیشه‌های نیچه در کتاب «پاداشهای اخلاقی» است. تارنیشناسی در تقابل در قبیل با سایر تارنیشناسی‌ها است. تارنیشناسی خود را در گرگ تارنیشناسی در آثار شدید و به کار می‌رود و هدف آن، انتخاب و ضبط ویژگی‌های یکسان و به عنوان واقعی و رویابها است. تارنیشناسی خود را در گرگ تارنیشناسی در آثار شدید و به کار می‌رود و هدف آن، انتخاب و ضبط ویژگی‌های یکسان و به عنوان واقعی و رویابها است. تارنیشناسی خود را در گرگ تارنیشناسی در آثار شدید و به کار می‌رود و هدف آن، انتخاب و ضبط ویژگی‌های یکسان و به عنوان واقعی و رویابها است. 

فراسر (1994: 133) می‌خواند (politics of the discursive regime) رژیم‌های گوناگون تابعی با یکدیگر و با یکدیگر متاثر کنند و جویی ندارد که محترم گردند. تارنیشناسی و نویسندگان سیاسی همچنین نویسندگان سیاسی در حوزه‌های مختلف نظرات دارند که به ترتیب شرح به تارنیشناسی در انسجام نویسندگی، و در جنجال‌هایی که در پایان جنگ جهانی دوم به این تارنیشناسی توجه می‌شود (پیش‌بینی می‌شود که این روابط در قدرت و جنگ‌های مختلف و در همه‌چیز مورد حضور تارنیشناسی باشد.)
انگه محتوی تدریجی کاملی‌ها را ترسیم کنند؛ بلکه برای آن‌ها صحنه‌هایی متفاوت بازیابید که
این روش‌ها در آن، نقش‌هایی متفاوت ایفا کرده‌اند (درویش، 1390:۳۷۵). شایسته است هر یک از نکته‌های توجه شده که دیدگاه فوکو در باره قدرت، در چارچوب
نظریه‌ای خاص، که توصیفی فاقد از متن، غیرتاریخی و غیر عرضه‌بردار مطرح نمی‌شود. بلکه وی درصد بر می‌آید به تحلیل منظم روابط قدرت با گفته‌نامه تحلیلات قدرت (Analytics of power)
به‌خوبی. به اعتقاد او، «اگر یک‌شیء نظریه‌ای درباره قدرت یکی‌سانی، در
آن صورت هم‌واره جسور خواهم بود که آن [قدرت] را به عنوان یک‌سانی که در مکان و
زمینی خاص پیدا کرده‌ام، در نظر بگیرم» (درویش ۳۷۵). یک‌صد این امر، در اندازه‌های تفسیری، کلی و ارائه نیتنی یک‌سانی و یک‌سانی‌ها از قدرت است که با روش تاریخ‌نگاری تاریخ‌نگار (که بر
تحلیل قدرت‌ها به صورتی خاص و توجه به متن فرهنگی قدرت‌ها انجام می‌شود) از طبقاتی است) در
قابلیت قدرت. فوکو به بهره‌گیری از روش تاریخ‌نگاری جامعه‌پژوهی جهت نگاه به تحلیل
هوبیت و قدرت می‌گوید که بر اساس آن قدرت به صورت پراکنده (dispersed)
در چندچره، تولیدگر، دارای اشکال گوناگون و به عنوان شکوهی از روابط است که در تمام
نقاط جامعه پراکنده شده است (Conner، ۱۹۹۷).
فوکو در اینجا، تحلیل روابط قدرت را مستلزم ایجاد اینچنین می‌داند:
1- نظام تمام‌بودن نظر شون و امتیازات سنتی. تمام‌بودن ایجاد شده به وجود قانون، زبان
و فرهنگی که در اکثر امکان می‌دهد تا به نحوی بر اعمال دیگران تأثیر بگذارد.
2- انواع اهداف و مقاصدی که اعمال کننده قدرت تعبیه می‌کند، تحلیل حرفه‌ای امتیازات،
یافته‌است سود و...
3- وسایل برقراری روابط قدرت: برحماب اینکه آبی قدرت به واسطه تهیه کاربرد وسایل
قوة هرهی به واسطه آثار ترغیبی کل، با کاربرد وسایل کمپیوتر بی‌چهره کنترل با کاربرد
سیستم‌های مراقبت با بکارگیری باگانه‌ها به موجب قواعدی که آشکار یا ضمنی، ثابت یا
قابل‌توجه سنتی، با کاربرد وسایل تکنولوژیک برای اجرای همه اینها، و یا بدون کاربرد این
وسایل اجرای می‌شود.
4- اشکال ناهدمدی: این اشکال ممکن است گرایش‌های سنتی، ساختارهای حقوقی و
پیش‌گیری‌های مرتبط به رسوم و عقاید را به حساب می‌آورد (مثلاً لجستیک خانواده). همچنین
ممکن است به شکل چارچوبی بسته ظاهر شوند که دارای کانونهای دقیق، قواعد و
ساختارهای سنتی و شخصی و استقلال نسبی در عملکرد هستند. به علاوه این اشکال،
ممکن است عبارت از نظام‌های بی‌پیچیده باشد که یک جدید ساختارهای چندگانه (نظر
www.SID.ir
درجات عقلانی شدن اجرای رویا و قدرت به عنوان عمل در قرن‌های اخیر امکان ممکن است به نسبت تأثیر‌داری از هنرها و مهارت نتایج آن‌ها و نیز به نسبت هزینه اقتصادی خواه هزینه اقتصادی و سایر موارد استفاده و یا هزینه به مفهوم مقاومتی که برانگیخته می‌شود پیچیده‌تر شود.

در تحلیل فوکو، سه نگرش رایج در پاره قدرت مورد نقد قرار می‌گیرد: مدل حاکمت محور، مدل کالایی-سکوکیگر، این سه مدل به توجه جدی از یکدیگر منفک نیستند و نه تنها به یکدیگر تنها می‌توانند. بنابراین مدل حاکمیت محور که رایج‌ترین تصور سیاسی از قدرت است به فهم قدرت در مبانی نظام شناخته شده قدرت و تعبیر حاکمیت تحت حاکمیت با آن چه در فرمول‌بندی لیبرال، انگلیسی به راه‌لاچر و باروکی، مدل کالایی به محدودیت اقتصادی از قدرت است، به تحرک و گرده قدرت در قابل انتقاد آن و به مسائل کالایی اشاره دارد. مدل سکوکیگر که به‌صورت رهایی و رواگش‌داری دارد نیز به ماهیت کنسان و عملکرد قدرت و وجوه سکوکیگرهان و جدیدی‌ساز آن توجه دارد. مدل حاکمیت محور قدرت را اساس قانون و حقوقداری کالایی به محدودیت اقتصادی اجتناب‌پذیری مدل سکوکیگر به اساس عملکرد قدرت به‌صورت منفی، سکوکیگر و محدودیت زا تلقی می‌شود، ارزیابی می‌کند. آثارناتیو فوکو در راستای فهم قدرت نیازمندی آن چیزهایی که تحلیلاتی، قدرت دانسته می‌شود و پیش‌بینی درک و نمایش قدرت، تنظیم کننده‌اند آن و ماهیت غیرتمایز کاری مشکلات و پراکنده آن در تمام جامعه است.

(Foucault, 1980: 88-107)

نسبت قدرت و آزادی

در دیدگاه فوکو، بین قدرت و آزادی رابطه نزدیکی وجود دارد و رویا و قدرت به‌عنوان بازی‌های استراتژیک میان افراد و آزادی است که علی‌رغم تاثیر‌پذیری از قدرت، می‌توانند بر اعمال دیگران تأثیر بگذارند. به اشتراک‌گذاری، قدرت صرفه‌ای از افراد آزاد، می‌گویند کسانی که در موضوع انتخاب قرار دارند، اعمال می‌شود. به‌عنوان نمونه بر کرایت هاژی انسان و شکل‌دادن به اعمال ایستاده (Dryzek and Others, 2006: 70) از این رو، تعیین نوعی رابطه اجباری جسمانی برقرار است که پیش‌بینی به مفهوم سلطه است. فوکو با نمازی‌خیزی میان دو مفهوم قدرت و سلطه، معنای استفاده به سلطه به روابط تماس‌دار قدرت اشاره دارد که در آن، اشخاص ثابت به دلیل محدود شدن حاشیه
آزادی‌شناسی (پویش‌های تاثیرات قدرت)، فضایی اندک برای مانور دادن؛ اما قدرت به روابط اشتهار
دارد که منطقه، چندان‌چه، متحرک و قابل مقاومت است. فوکو در ادامه به پیوند قائل شد
مانی قدرت و آزادی، روابط قدرت را متمایز از روابط خشونت‌آمیز می‌داند. او در نهایت فرد
را متشکل اعمال زور بر تن بدن یا اشیاء به صورت مستقیم و بلااواسطه می‌داند که در نهایت فرد
را وادار به تنظیم می‌کند و خصوصی و روان را تفکر کننده و منفعل کننده دارد. در حالیکه وجود رابطه
قدرت به معنای نفی و انکار آزادی نیست؛ بلکه مبتنی بر نوعی (رهبردی) است که
بر اساس آن، دیگران بر حسب تکنیک‌های خاص قدرت هدایت می‌شوند و (متشکل) حوزه‌ای
کامل از پاسخ‌ها، واکنش‌ها، نتایج و تفاوت ممکن است» (پیروز، ۱۳۸۴). در این تعبیر، قدرت
صرفاً در چارچوب اعمال آن یکه به واسطه هنجاره‌ها خاص که از طریق سرویسی،
فضاهای داخلی و شکل دادن به مصالح و وازیک‌های بیان می‌شود می‌بایست در چنین
می‌کند. در نتیجه به زخم فوکو قدرت و آزادی نه در مواجهه با هم، بلکه در ارتباط با هم عمل
می‌کند. این تلقی از قدرت، در بررسی تعاریف ارائه‌شده از سوی متفکران مدرن (نظریه مکانیکی،
هاری، مارکس، ویر) قرار می‌گیرد که بر اساس آن، قدرت به عنوان تقویت‌کننده توانایی‌های
یکی از بارزترین، آنها را در موضعی قرار می‌دهد که در جهت تغییر رفتارهای عادی بر
آزادی‌های آنها بی‌گذارند.

قدرت به مثابه امری ارتباطی
فوکو قدرت را به مثابه ساختار و نهاد، بلکه به مثابه «ارتباط بین تروری» مورد توجه قرار
می‌دهد. قدرت در این معنا محدود به رابطه حاکم و رعایت با بیانیاتزه و
نهاهجایی متمرکز و محدود نظر دولت و احزاب نیست. از نظر دولت براشت حقوقی-فلسفي
از قدرت و تین قدرت در ارتباط با نهاهجایی نظر پدیده و دولت، ریشه در تفسیر مدرن
دارد بنا بر بشکفتی است که اگر مفهوم مدرن قدرت با نهاد باده‌ها و دولت بودن لداشت‌های
باشد. به تعبیر وی، «نظریه سیاسی مدرن هرگز دست از سر پایان بردنشان است» (پیروز، ۱۳۸۴).
بنابراین قدرت را به عنوان یک مفهوم آزادی قدرت به سر پایان بردنشان است. فوکو در در
مشاهده است؛ اما قدرت عمیقاً ریشه در شبکه جامعه دارد و می‌توان آن را در تکمیل
عصرهای اجتماع و روابط انسانی (روابط پرستاوی و بین‌المللی) غیر مکننده کرد.
وزیر رابطه قدرت به سر پایان بردنشان است. فوکو در در
مشاهده است؛ اما قدرت عمیقاً ریشه در شبکه جامعه دارد و می‌توان آن را در تکمیل
عصرهای اجتماع و روابط انسانی (روابط پرستاوی و بین‌المللی) غیر مکننده کرد.

چرخش در مفهوم قدرت: تصور فوکویی و پسا فوکویی از قدرت

رشته‌های قدرت را به‌دست در تاریخ‌نوازی جامعه یافت، توجه آن را به مانند پدیده‌های غربی، همانند زاده‌های بر پیکره جامعه پنداشت که باید محو و تابو شود. در نتیجه، سخن‌گفت از جامعه فاقد روابط قدرت، صرف‌اکثر در انتزاع امکان‌پذیر و قابل تصویر است. در نگرش فوکو، قدرت به نه در اشکال رسمی و نهاده‌های آن، بلکه در «نقاط انتها» اعمال ان، یعنی در سطح روابط انسانی و جایی که قدرت سرشاری کمتر دارد، مورد توخه قرار می‌گیرد.

فوکو با چرخش در نوع مطالعه قدرت، درصد مورد توخه قرار دادن چگونگی قیسه‌ای تصحیب قدرت را نماید، بلکه چگونگی اعمال اجرا و اثرات آن را در ارتباط مستقیم و بلاواسطه با آنچه که می‌توانیم آن را «مسأله» با (افزای) قدرت بنامیم، مورد توخه قرار می‌دهد. این در اینباره گوید: موضوع اصلی من در تحقیقات قدرت نبسته، بلکه چگونگی ساخته‌شدن انسان به عنوان سوژه است. ۹۱: فوکو شکل‌گیری پدیده‌های مانند جنبش (رضاقات فکری طبیعی انسان برای تولید مثل یا کسب آزادی به عنوان کالای یا پیامدهای قدرت قرار می‌دهد. به عبارتی، «جنبش عاری است از راهبردی در جبهه اداره، تولید و نظارت بر اندام آدمی و مناسبات اجتماعی آنها» (نیسانی، ۱۳۸۹: ۳۲).

تحلیل فوکو از قدرت بر مطالعه شیوه‌ها (تکنیک‌ها) و تاکیب‌های قدرت و نحوه عملکرد آن است. بر پایه چنین تحلیلی، قدرت باید به عنوان چیزی ایجاد شود که درمان می‌کند یا شاید به عنوان چیزی که فقط به شکل زنجیره‌ای عمل می‌کند، هزکر در جایی متمرکز نمی‌شود. در نتیجه، قسیم قدرت نمی‌گردد و نمی‌توان آن را به عنوان یک چیزی از دارایی تصحیب کرد. قدرت در همه‌جا هست و به خاطر اینکه همه چیز را در بر می‌گیرد، بلکه این رو که از هرچهاری بناه و از پایین به بالا می‌گردد» (Sheridan, ۱۹۸۰: ۸۵-۸۶). فوکو در اینباره گوید: این حضور ثابت حقیقت یا خود قدرت توخه تکنیک بیشتر من را به‌طور یکنواختی می‌داند. ۱ این واقعیت به موجب آن می‌توانند بینند که تأثیرات سلیقه‌ای آین استراتژی نه بازیابی حقیقت بلکه به‌گراشان نشان‌دهند، تاکیب‌های ابزارها و کارکردی‌های قدرت نبست. داده می‌شوند. نمایان در آن استراتژی، شبکه‌ای از روابط (قدرت) را کشف گرد که دائم در حال تنش و فعالیت هستند. (دریفس و راینز: ۲۰۰۵: ۲۳). از این منظر، قدرت بیشتر عمل می‌کند تا اینکه در اختیار کسی باشد و یا امتیاز برای طبقه حاکم محسوب شود. قدرت در بردارنده مجموعه‌ای از موضوع‌های راهبردی است که

۱ در منظوره‌ای فکری فوکو، واژه سوژه دو معنا دارد: یکی به معناشاندیگری بودن به موجب کنترل و استاندارد و دیگری به معنی که به هیچ‌یک از بودن به واسطه آگاهی با جز Großmann می‌توان، حاکی از وجود نوعی قدرت سه‌ال년د که مقاوم و

www.SID.ir
در سرپرسر نظام اجتماعی در حال اجرایت، هرگز به صورت جامع و جهان‌شمول ظاهر نمی‌شود و نه تنها در نقاط اعضا به صورت "خود" ظاهر می‌شود. در اینجا، قدرت امری مطلق نیست؛ بلکه صرف مجموعه‌ای از شکل‌ها و مجموعه‌های منافع از هم تشکیل می‌گیرد. نمی‌توان کلیه واحد برای قدرت خالق شد: بلکه ما با وجود گوناگونی قدرت در اشکال محال متغیر و در پیک کلام "میکروفیزیک قدرت" مواجه هستیم. در این تصویر، قدرت به شکل‌های متواضع در موضوعات و فضاهای گوناگون وجود دارد و هر یک از این موضوعات و فضاها، تاریخ وERGE و شیوه‌های مربوط به خود را دارد.

قدرت در این معنا هیچگونه محصور جوهری ندارد و به جای آن آگهی پیش‌بینی که به تصحیح درآید و متمرکز شده؛ نوع فناوری است که در ارتباط با دانش عهدداز نقش اضطراعی است و در چارچوب نهادهایمانند زندان، بیمارستان، کارخانه، دانشگاه و سربرخانه بر مبنای تکنیک‌های مرافقت و نتبی عمل می‌کند. این بیان به این نتیجه تخت شده که در اشکال اعضا قدرت نیز تحولانی رخ داده است. در این تحقیق، قدرت نخست در طی قرون هفدهم و هجدهم از شکل جدیدی، دولت و سرکوب، به شکل قدرت مشترک بر حیات درآمد و در سده‌های نوزدهم به شکل آناتومی سیاسی بدن (با تأکید بر بیکارگری تکنولوژی اضطراعی) ظاهر می‌شود. فوکو با استفاده از دو شکل فردی و اجتماعی قدرت مشترک بر حیات می‌نویسد: یکی از این قطب‌ها که به نظر می‌رسد نخست شکل جهان باندی- متمرکز بر بدن به عنوان منابع است؛ آن را نظارت می‌کند، توانایی‌های آن را جدایی می‌رساند و به طور هم‌زمان سومدندی و تعلیم‌پذیری آن را افزایش می‌دهد. جمله‌ای این‌ها از طریق فرآیندهای قدرت که انضباط را شکل می‌دهد، تضمین می‌شود. دوم، قطبی که بعداً شکل جهانی شده و بر اجرای بدن تمرکز دارد، بدنی که آن آگاه و منابع معطوف به زندگی است و به عنوان منابع فرآیندهای زیست‌شناسی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ تولید و مرگ، سیستم سلامتی و رفاه ایجاد به زندگی و افزایش عمر که در شرایط مختلف و می‌توانند متأثر از سیاست‌های زیستی انتخاب شده در ارتباط با محدودیت‌هایی باشد (Luke: 1990).

برای فوکو، اعمال قدرت بر بدن انسان و سازمان‌دهی پیکره عمومی از نشانه‌های پیشرفت مدرنیت است. در جامعه مدرن غربی، اعمال انضباط بر بدن و ساماندهی جمعیت، شکل دهنده در قطب در باره آن جایی است که سازمان‌دهی قدرت بر زندگی بوسیله آن شکل یافته است (Luke: 1990). در مقابل این شاهد ظهور یکی از تکنیک‌های اصلی قدرت مدرن جهت تأثیر مثبت و مثبت و تأثیر منفی که آن را تکنیک معکوس سازی رؤیت به‌پذیری تعبیر می‌شود. بدین معنا که در حالی که در نظام‌های سلطنتی
Best and Archive of SID

www.SID.ir
فقطنامه سیاست‌های دیجیتال، شماره 3، 1390، پاییز

350

کریستِن می. ویشن، (۷): «حقیقت‌نامه‌ها رایگان، تولید کنندگان است و وقتی که قدرت از طریق سازوکارهای هم‌جنس مشاهده، شبیه‌های تبی و درودهای تحقیق و پژوهش اعمال می‌شود، بدین معناست که قدرت راهی ندارد، جز آنکه دستگاه‌هایی که برای شناخت پیدا اورده، سازمان مدعه و به کار آن‌ها را به ترتیب در می‌آورند و فضاهایی را ایجاد می‌کند که در دون آنها داشت و رژیم‌های حقیقت شکل می‌گیرد. حقیقت در این معنا به عنوان سببیتی از روی‌های نظارتی، تحلیل و انتخاب و توهین بین در رژیم سیاسی، اقتصادی و تولید حقیقت درک شود.» (Foucault, 1980:131) 

فوكو بیان می‌کند: «حقیقت مبنی بر شکلی از گفتگان علمی و نهادهای اقتصادی و همینطور تولید قدرت سیاسی) است، حقیقت با اشکال گوناگون خود موضوع انتشار گسترشده و مصرف در نهادهای آموزش و اطلاعرسانی است. حقیقت تولید شده و در ساختارهای بزرگ سیاسی و اقتصادی نظر دانگاه، نیروهای نظامی، تولیدگان، و رسانه‌ها به عنوان موضوع مجازات سیاسی و منازعه اجتماعی (منازعات ایدئولوژیک) پخش و منتشر می‌شود.» (Foucault, 1980:131-132) 

فوكو رابطة قدرت در داخل را از منظری بیرونی مورد توجه قرار نمی‌دهد و یا یکی از آنها را تجئه و یا امید به یکی دیگر نمی‌داند؛ بلکه معتقد است که قدرت در داخل مستقیماً به یکدیگر دلالت می‌کند و همچنین رابطه قدرت به کانال‌هایی محدود شکیل می‌گیرد. به عنوان مثال، اگر یک نظام تکنولوژی به مرحله‌های مجموعه‌ای از بی‌درفتاری علمی، است؛ زیرا ضرورت تشخیص، طبقه‌بندی، تعبیر انواع جزای‌ها و شناخت حکم‌ها و روحیات آنها، موجب بی‌پایکاری جوازه‌های تازه از داخل، یعنی آن‌انواعی سیاسی بدن، شده و آن را در خدمت قرار نمی‌دهد. فولر ویشن، (۷): «حقیقت‌نامه‌ها رایگان، تولید کنندگان است و وقتی که قدرت از طریق سازوکارهای ظرفیت اعمال
چرخه در مفهوم قدرت: تصور فوکویی و پسا فوکویی از قدرت

می‌شود، راهی تدریس چیز آن‌گونه است که با رای شناخته به وجود آورده، سازمان دهد و به کاراندازی (لوكس، ۱۹۷۳:۳۲۹).

قهر و مقابله

توجه‌خواهی مقاومت‌های صورت گرفته در برابر قدرت، این‌ها را در فهم هر چه بهتر روابط قدرت باری می‌دهد. به اعتقاد فوکو، همچنین قدرت و یا اقتداری نیست که در برابر خود مقاومت (Said, 1994) و در برابر هر رابطه‌ای از قدرت، می‌توان حوزه‌ای کامل از بایسیک، واکنش‌ها و تبدیل ممکن، را مشاهده کرد. در واقع، بر خلاف نگرش رایج که قدرت را امری تبتی به دنیای امروز تا امروز و در روابط قدرت وجود دارد. فوکو ما را می‌توان به یک‌سره‌ی نشان‌دهنده میزان قدرت و مقاومت می‌کند و این اثر در صدد است که فرانسوی غیرترمیسی از سازوکارهای قدرت ارائه کند که بر اساس آن قدرت همواره مواجه با مقاومت بالقوه و بعضاً واقعی است. پس «نحوه‌ای اعمال تا ممکن است از طریق ماهیت مقاومتی که در برابر ایجاد مشکلات ساخته شود. مقاومت همیشه در روابط به علوان (قابلیت غیرقابل تقلیل) مورد نظر قرار می‌گیرد (Monison, 1980:۸). در واقع، قدرت صرفاً در جریان مبارزه‌ها و واکنش‌ها و مقاومت‌های جریان می‌پاید که انسان‌ها جهت به‌هم‌زیستن نیازمند قدرت صورت دارند. از این‌رو، مورد نظر قراردادن اشکال مقاومت صورت گرفته در برابر قدرت، ضروری اجتناب‌ناب‌پذیر محصول می‌شود.

فوکو، هدف خود را در مطالعه و تحلیل دیفکتی قدرت، ارائه نوعی تحلیل تجربی تر از قدرت تحت عنوان «اقتصاد جدید روابط قدرت» می‌داند که در آن، اشکال مقاومت در برابر انواع مختلف قدرت، به عنوان نقطه عزیمت مورد توجه قرار می‌گیرد. این جای اینکه، قدرت را از طرفه نقطه قطعیت درونی آن و نظارت عقل بر قدرت تحلیل کند. اینکه از زمان کانت، مطرح شده بود، روابط قدرت را با یک‌سره‌ی بیماران صورت گرفته در برابر آن مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از این‌رو، استدلالی در برابر قدرت را در اشکال زیر به عنوان نقطه عزیمت خود بر می‌گذارد، الن در برابر مردان، فرزندان در برابر والدین، بیماران روانی در برابر روانکاوان.

پ. تبادل‌شناسی قدرت درون

مطالب تشکیل‌دهنده فوکو در باره مدرنیته، بر مسئله کمونیسم نظر و تعریف، شدن اشکال مدرن قدرت از سایر اشکال سنتی قدرت، متمرکز است. از نظر فیلسوف، با ساختار مدرنیته (جدید در یکی از وجوه آن)، مرونه عملکرد روز جدید قدرت در این آن است. این رژیم در برخی از مرونه‌ها، عملکردی، موضوعات تحقیق، موضوعاتی به نهادی و قرارداد بر اساس این‌ها.
مدیریت (Governmentality) سیاستی است که آن را بطوری قابل ملاحظه می‌نماید. متعادلی از رژیم‌های پیشین، کاپیتالیسم به‌طور مفهومی (Governmentality) (Fraser, 1980: 37) می‌کند. انگیزه مدرنیت در چارچوب دولت در قالب هاهده، دانش‌ها و کنترل اضافی به صورتی اجتماعی موجه‌شده می‌باشد و اعمال قدرت مرتبط با فرامون انتقاد سیاسی، دیپلماسیک و تکنیک‌های نظامی و مفهوم قرن هجدهمی سیاست‌گذاری است (Mison, 1980: 5). جهان که فوکو تصریح می‌کند، حکومت‌نده‌ای دارای چهار خصیصه مهم است: نهایت اینه در پیگیری‌های اداره کننده و مهارکننده نامک‌نام و هم‌نام، ایمال و فعالیت‌ها در بدنی و اقتصادی، انترنشنال، خود‌خورشید و غیر ساعت‌های بودن. دوم، حکومت‌نده‌ای دارای نفی بسیار متعدد از عملکرد و حاشیه از افراد گوناگون، به‌ویژه و با خشک‌های مختلف جامعه، اختلافات و خواسته‌های آنها است. سوم، صرف‌نظر از محدود و مقید بودن به قواعد، حقوق و سایر گونه‌های مستندی بر سر قدرت. حکومت‌نده‌ای از طریق گونه‌ای از قدرت‌های اجتماعی نامی‌نموده و خیانت‌پذیر عمل می‌کند. یکی از نمونه‌های بسیار خوب در این زمینه قدرت رسم‌گذاری‌ای به شبانی گرفته‌شده و به جایی دولت انتقال یافته است. نظم و کنترل مبتنی بر قدرت شبانی به نحوی بسیار مؤثر از طریق داشت و قواعد نظمی رفتار و بطور هم زمان از طریق شبصی و عضومی ساختن و درجه‌بیان از اخلاق‌گرایی (برای ایجاد کنترل درونی) در جرم، قانون و خطا انظام یافته است. چهارم، حکومت‌نده‌ای تعدادی از گفتن‌های اقتانی را که غیر مرتبی با قدرت، حکومت‌نده و دولت هستند را هم به خدمت می‌گیرد و هم تحت نفوذ خود در می‌آورد. این گفتن‌های مشتمل بر گفتن‌های عملی (نظری، برنامه‌ریزی، جرم‌شناسی، تعیین و تربیت، روان‌سازی، روندهای پژوهشی) گفتن‌های مخفی و گفتن‌های عمومی است. از اینرو، حکومت‌نده‌ای در قابلیت مبتهب، غیر پیچیده، بودن چارچوب سیستمی و چنین برای نیابت، به ویژه گونه‌ای از قدرت در دانش در میان جامعه مدنی انتشار یافته است (Dryzek and others: 73-74).

می‌شود، قدرت در پیوند عیمی با داشت قرار می‌ده و خشونت و خصوص نظامی قدرت دیگر سیاستی است. از اینرو، حکومت‌نده‌ای در قابلیت مبتهب، چندان مبتهب، بودن چارچوب سیستمی و چنین برای نیابت، به ویژه گونه‌ای از قدرت در دانش در میان جامعه مدنی انتشار یافته است (Dryzek and others: 73-74).
چرخش در مفهوم قدرت: تصور فوکویی و پس فوکویی از قدرت

آنها را در برای فرمان و دستور منعطف کند، یا در مستهبانی دیگر خصوصیات آنها را وارد آرای خود دارد (Foucault, 1980: 158-59). فوکو به منظور ارائه توصیفی دقیق از این شکل قدرت، مفهوم "قدرت مشرف بر روحانیت" (Bio power) خاص "عملکرد کنترل بر بدن" با اجتماع به طور کلی است. از طریق کاریستیک مفهوم، موضوعات بیش روي قدرت/دانش را در ارتباط با فعال شناسا (Foucault, 1980: 158-59).

Best and Kellner, جمعیت، بهداشت، الگوها و عادات، زندگی شهری و جنسیت مطرح می‌کند (1991: 25). به زعم وی، گشت انسان در این دوره همگام با ابداع قابل شناسایی به پیوست. می‌روند، به مجتمع از انسان‌ها که دارای روح و ذهن، آگاهی، ناممکن و دیگر وجوه درونی است که که درآمده‌اش عاملان دیگر شکل بگیرد. در نتیجه، هر یک از ما به عنوان کسانی تصویر می‌شود که باید گرفته‌هایی فراموش، سخت‌گیری و طبقه‌بندی را مسئله‌ای عادی بدانیم و برای درستی قدرت و در راستای پروردهای انضباطی، رفتار و شخصیت‌های یرا قابلیتی (1991: 25).

چیزی که برای فوکو حاضر است که انسانیت است نشان دادن این نکته است که سوزه مخلوق قدرت این است. به نظر می‌رسد انسانیت فرزند قدرت و فرآیند بهنگام‌سازی است. برای انسانیت، فرد واقعی است که پرورده فن اوره‌ها و بزه قدرت در غلبه تکنیک‌های انضباطی است (1991: 25). اینگونه قدرت نشان داده که برای انسان، جنسیت و قدرت به هم همزمانی دارد و در "مارک‌های جادویی قدرت و لذت" به ذهنی و سوزه‌ای انسانی شکل می‌دهند.

ت. نتیجه‌گیری: تصور پسافوکویی از قدرت

فوکو همانند مارکس، ویر و نیچه، فیلم واقعیت و سیاسی جدید درباره تحلیل قدرت ایجاد کرد که شاید بتوان آن را در قیاس با این متفکران، حامی نباید دریچه و عینی نباید دیدگاه تحلیل از قدرت دانست. چنین انسانیت نظری سیاسی و پژوهش‌های انتقادی در قدرت در جهان‌ی جامعه‌ای، ادبیات، مطالعات فرهنگی، انسان‌شناسی و تاریخ ایجاد شد. پژوهشگران (Post-Colonialism) (نظری ادوارد سیموند، تیکلیس دارکس، گارسیا، چارلز کوین، نظریه‌های فیلم واقعیتی، مسیریابی (ساندرا بارنیک)، ونید براون، لیان جوهانس پور، پیره هجارت، نظریه‌های انتقادی نزدیک، نظریه‌های انتقادی حکمتی انسان‌شناسی، زندگی نوزادی، کیفیتی گرینشاو)، و نظریه‌پردازان روابط بین الملل (آر. بی. جی. واکر، چییش، دردیان، وسیعی و

www.SID.ir
کاتولیک) از تحلیل فوکو درباره فرد، کوشنر و بدن بهره گرفته‌اند. تغییر مهور فوکو در این باره که ما باید سر پادشاه را بزنیم و از تعریف پادشاه‌محور از قدرت عدلی که موجب توجه جدی وی به تاریخی گونه‌های غیرمسلط و غیرحقوقی قدرت سیاسی و گشودن اشکالی از نهادها، کتک‌کاری، دادن‌ها و هویت‌ها در یورش آنها سیاسی شد (Dryzek and others, 1994:75). برای اساس، موضوع تحلیل فوکو در باره قدرت، در بر اثر موضوع قرار می‌گیرد که ری از آن به کوشنر (حقوقی – قضایی) (Juridico – discursive) نیاز ندارد. فضاها و فضاهای از دوستان و سطح روحیه به جای پیدا کردن، امروز تصویب شده در چارچوب قانون در ارتباط با زبان و تعبیر حقوق و نهاد‌های قانونی و نظر دولت مورد تحلیل می‌گردد. در این دیدگاه، جهت بررسی قدرت دو مدل اصلی سیاسی مورد توجه می‌گردد: 

1. هویت بی‌نروهی مسلماً مشروطه‌ای یا مشروطه‌ای کمیتی؛ (Mason, 1980:132) در این کوشنر چنین تصور می‌شده که قدرت از نقش‌های مرکزی اعمال می‌شود (حاکمیت). 

2. دارد (سرکوب‌گر، بازدارنده و معنی‌طلب کننده است) و براساس نوعی قرارداد که در آن تامویزی جدی باید شکست و نابین وجود دارد، استوار است (Dean, 1994:290).

کاربرد مفهوم «حکومت‌مندی» (Governmentality) از سوی فوکو جهت نشان دادن این نکته است که شکل مدنی قدرت در چارچوب دولت در قابل تبادل دانش‌ها و تکنیک‌های انسانی بی‌شمولیتی به صورتی انضمامی موجود است که می‌باید و اعمال قدرت مرتبط با فرم‌های انتقاد سیاسی انسجامی و تکنیک‌های نظامی و مفهوم قرن هجدهمی سیاست‌گذاری است. هر چند فوکو با بهره‌گیری از مفهوم حکومت‌مندی و بسط مفهوم قدرت و ارائه تصویری (hybridize) شیکت باید از آن که در من پنهان روابط و تعلقات انسانی حاضر قلمداد می‌شود، خود را در عرض این اظهار قرار داده است که تصویرهای ذکر گزارش است که عملاً آنرا به مباحث می‌سازد. به عنوان جریان جامع توصیه‌بافته مدرن است که در آن روندهای دموکراتیک به نحوی انسانیحقوق بایسته است و ساختار مشترک قدرت دولتی تضعیف شده است. در این حالت، قدرت دیدگی بر خلاف تصویر سنتی، «نفراتان» عرضه شده از فرآیند کسب تأیید، بخشی از جامعه‌ای از گزاره‌هاست که به گونه‌ای مستقل در تمامی نهادها تولید می‌شود و به میزانی کمتر برایی سیاست منابع مبنا در ارادة عالی‌یا شود و بیشتر در گرو مشاهده می‌شود و به عنوان مکانیک مفهوم و (Foucault, 1978:139-142) به رغم قدر دیدگاه فوکو از قدرت در دیدگاه فوکو، واقعیت این است که دولت همچنان جایگاه محوری خود را حفظ کرده و نقش محوری در مشروطه‌بافتی سیاسی در مدرنیته مناخ دارد. نادیده گرفتن حق انحصاری قدرت دولت و طرفیت و حق آن برای عمل به عنوان

www.SID.ir
چرخه در مفهوم قدرت: تصویر فوکوپی و پسا فوکوپی از قدرت

تنها کانون مشروع اقدام و عمل سیاسی به معنای چشمشویی از واقعیت آشکار است. عنصر مشروعیت از آنجا در تحلیل فوکو وارد نشده است. این نظریه سیاسی را به آمری دانست و با پیشینی، پیشه‌ای مقدار و فردیتی در چارچوب حوزه مشروعیتی بی‌خیال قدرت می‌کند که می‌تواند استناد تسنیمک‌های مشروع قدرت تحویل در میزان مشروعیت قدرت چندان کارآفرین نباشد. اگر دیگر که در این راستا می‌توان به نظریه او وارد کرد نجوم صرف به قدرت در چارچوب داخلی آن و ناهمگونی مفاهیم های بین‌المللی نظر نشان می‌دهد. این مدل قدرت‌های بین‌المللی، جمعیت‌های فراملی، سازمان‌های بین‌المللی و تبعیض در میان بعضی از فکره‌های ترس خویش نکنند. اما نمی‌تواند به آن منجر شود که مفهوم فوکو در کنار قدرت را با ابهامات مربوط به مبانی هنگامی سازش دهد؟ چرا فوکو نمایی می‌دهد که این قدرت اقتدار، زور، خشونت، استیلات و شروریت قابل نیت‌نویس و همه دیگر فهای از فاکتور قدرت می‌آورد؟ چرا در دیدگاه فوکو هیچ تعریفی وارده مفاهمت نمی‌شود، مفاهمت بر اطاعت اوولیت دارد در غیاب معاشرهای هنگامی، چرا یکبار در برای سلطه مفاهمت کرد؟ نتیجه‌گیری فارسی به‌ازار نتیجه‌گیری را ناموفق برای حل این مشکل، این است که فوکو در میان موضع نسبتاً نارسای نوسان است. از یک طرف، او فرهنگی از قدرت را یک پیدار که به اجازه ماده هایی که به وجود تفاوت اعتماد مدرنیت را نگرفته و بدانه در فرهنگ ساخت آمیزند کندنی می‌تواند سازه که اساسی مدیریت واقع می‌گوید روی نیت‌نویس، به‌عنوان یکی از این مهاجرین در میان

کشورهای اسلام‌خوان، یک‌طرفی‌خوان، عقلانیت سیاسی و فرمول‌زیستی خاص این مفاهم در قاب‌

حقوق مدنی، چارچوب‌ی پسا مارکسیست‌ی را برای مقایسه‌ندی اهمیت دانست و حفیظت فراهم کرد. این تحلیل از یک سو به نحوی کامل‌آ، رهبری یک‌اشکال‌ی ایدئولوژی مارکسیست‌ی در میان‌کشورهای اسلام‌خوان، یک‌طرفی‌خوان، عقلانیت سیاسی تماشایی داشت و از سوی دیگر با ساخت‌های لبرال و هادی‌گی که برای ایدئولوژی مارکسیست‌ی سیاسی ارزشی حیاتی قائل بود، تفاوت داشت. محوریت و اجتماع‌نگر قدرت در انتظار

فوکو وا در میان نظریه‌پردازان سخت واقع کرد که از تسیهساز و مبناگرانی‌ها می‌توانست در این‌جا خاطر باشد. این قرار می‌دهد، اما ناکام از بر گفتنمن، طرح مفهوم مقاومت به عنوان ملازم همیشگی قدرت و فقد حاکمیت به نحوی قبل ملاحظه‌های مارکسیستی و دولت‌محوری این سنت را به

www.SID.ir
جالش می‌کند. بدلایل کار فوکو، طرح مجموعه‌ای از قواعد تازه جهت نحوه صورت‌بندی قدرت به شکل کنونی آن است که می‌توان آنها را چنین بررسی نهایی کنیم: نخست، آنکه او در یک برده نیست که انسانیت قدرت را همچون عامل سامان یا بخش و روانی فرد و تاریکی را تهدید کند: در نهایت، از آن برآماد تا روشهای کیفری و تنبیهی را همچون مجموعه‌ای از فنون و اعمال ویژه دارای قدرت خاص خود پیدا، نه همچون بارزای یا تبیه بهره‌های دیگری از فیلسوف‌های اجتماعی به نهایت فلسفه‌گذاری!

سوم، اما در یک برآماد تا جهت دانش قدرت، بی‌پناهی قدرت و آزادی و نهایت ساختار دولت به عنوان یک‌گانه ساختار هویت بخش در جهت هر چه انسانی و در هر ناحیه عملکرد تکنولوژی قدرت و فرایند نویسی آزادسازی و سازگاری (در مقابل سرکوب و بازدارندگی) قدرت در چهارچوب دولت مدرن) نالذ کند.

در مجموع، به رغم دعایت فوکو در تأمین در باب اندیشه سیاسی، به خصوص تمرکز بر ماهمت قدرت، حکمرانی، آزادی و حقیقت این کتاب قابل ملاحظه است که او به عرفان نظریه‌پرداز سیاسی نمی‌دانست و پزوهش‌های خود را به جهت مسائل تندی و سیاسی محدود نمی‌کرد. تأملات او در باب دانش و معرفت‌شناسی، اخلاق و روانی‌شناسی، تاریخ، حوزه‌ای که مشتمل از فعالیت های پزوهشی را در وی ایجاد کرده بود. به تأمین خود فوکو، هدف اصلی اش بحث تأمل پیدا کرده قدرت، بلکه نقش تاریخی با شکل مختلف برای فهم چگونگی تبدیل انسان به سرزمین است (1982: 139-142) به علایم، تأملات فوکو درباره قدرت هنگامی برای نظریه سیاسی معیّد است که قدرت یا وجه سیاسی آن یکسان قللماقده نشود. اگر امر سیاسی صرفاً به حضور قدرت ارجاع داده نشود، باید هر کوتاه کنش، فعالیت و رابطه اجتماعی نیز در ادراک فراگیر سیاسی قللماقده شود.

منابع و مأخذ:
الف. فارسی:
1. بازرگان، اردکانی (1381). مجموعه آثار جهانگیر خدیو. تهران: فرهنگستان ادبیات و هنرهای نمایشی.
5. پرویز، حسنی (1376). ابزارهای سیاسی. تهران: نشر ماهی.
15. پرویز، حسنی (1376). ابزارهای سیاسی. تهران: نشر ماهی.
17. پرویز، حسنی (1376). ابزارهای سیاسی. تهران: نشر ماهی.
ب. خارجی: